

## از روزا پارکس تا تریون مارتین و معضل نژادپرستی در آمریکا

آغاز اذیت و آزار سیاهان و نژادپرستی در غرب از افکار و اندیشه‌های جان لاک فیلسوف قرن ۱۷ میلادی است که او مبتدع سیستم سرمایه‌داری به نفع سرمایه‌داران است که هنوز هم غرب سیاست استعماری خود را بر پایه فلسفه او اعمال می‌دارند. جان لاک سهم به‌سزایی در نظریه‌پردازی آزادی و مردم‌سالاری دارد، اما این پیامبر آزادی در واقع تاجری بیش نبوده، چه او در بنگاه رویال آفریقا برای خرید و فروش برده و سیاهان چه در عرصه سیاست و چه هنگامی که به فلسفه روی آورد تا به تثبیت سلطنت انگلستان مدد رساند. لاک با اینکه آغازگر معامله به ظاهر پرسود میان «فلسفه و سیاست» است که سرمایه‌داران را به شدت خوشنود می‌ساخت، اما همین سودانگاری محض او نه تنها به مرگ فلسفه در غرب انجامیده، بلکه فروپاشی «غرب مدرن» را نیز در پی خواهد داشت.

جان لاک و باروخ اسپینوزا (از یهودیان قرن هفدهم میلادی) در یک سال به دنیا آمده‌اند. در سال ۱۶۳۲ میلادی و هر دو نیز تا آخر عمر مجرد ماندند. لاک در یک خانواده سرمایه‌دار به دنیا آمد. دوران نوجوانی اش با آشوب‌های داخلی انگلستان همزمان بود مانند روزهای میان‌سالگی اش، اما کهن‌سالگی خود را در آرامش نسبی گذراند.

انتصاب لاک در سال ۱۶۶۷ میلادی به سمت پزشک مخصوص شافسبری، رهبر حزب ویگ (حزب سبزه‌ها) ناگهان راه را برای ترقی سیاسی اش گشود. لرد شافسبری را که مدتی صاحب مناصب رئیس دیوان عالی، وزیر خزانه‌داری و صدر اعظم انگلیس بود، فرمانروای مطلق بردگان می‌نامیدند. نامی که به تعبیر جان درایدن «نزد تمام قرون آینده ملعون است». لاک هم از رهگذر این دوستی نزدیک، در سال ۱۶۷۱ نه فقط به یک «تاجر سیاهان برده» بلکه به یکی از اصلی‌ترین سرمایه‌گذاران انگلستان در خرید و فروش بردگان سیاه از طریق بنگاه رویال آفریقا تبدیل شد. «تجارت برده‌های سیاه» در آن سالیان نیازهای انگلستان را برای بهره‌برداری از مستعمراتش تأمین

می‌کرد. خصوصاً در کشتزارها و مزارع آمریکا مانند کارولینا، کشت نیشکر و دیگر محصولات، کسب و کار سودآوری برای انگلیسی‌ها به شمار می‌رفت و بردگان سیاه‌نیروی کار بی‌جیره و مواجب بودند. جان لاک به کثیف‌ترین تجارت آن دوران پرداخت. به نوشته راست. تی. دان بردگان گرچه در جوامع آفریقا حداقل حقوق قانونی را داشتند، اما بازرگانان انگلیسی چنان خبیثانه و بی‌رحمانه با آن‌ها رفتار می‌کردند که بنا به روایتی مشهور بردگان سیاه‌ترجیح می‌دادند به دار آویخته شوند. ولی برای کار به خدمت اروپاییان در نیامدند: «کشتی برده‌کشی لنگر می‌انداخت. بی‌حرکت و ناتوان بر عرشه افتادم. انبوهی از سیاهان را دیدم که به یکدیگر زنجیر شده‌اند و از سیمای همه‌شان غم و نفرت پیدا بود. سپس خود را در میان هم‌زنجیران بدبخت و تنی چند از هم‌ولایتی‌هایم یافتم و قدری آرام گرفتم. «سفیدها» مثل وحشی‌ها بودند و مثل آن‌ها رفتار می‌کردند، زیرا تا آن زمان در میان هیچ قومی چنین «بیداد تلخی» ندیده بودم. پرسیدم که این سفیدها، با این هیبت ترسناک، صورت‌های سرخ و موهای بلند. مرا می‌خورند؟ گفتند، نمی‌خورند.»

بیداد تلخ تاجران برده چنان بود که بردگان خیال می‌کردند انگلیسی‌های سفیدپوست، مثل جان لاک آدم‌خوارند، خطا نیز نمی‌پنداشتند. چون چنان که دنی روبردو فور به شیوایی می‌گوید: سرمایه‌داری که بسیار تولید می‌کند و با حرص زیاد می‌بلعد آدم‌خوار است. زیرا انسان را نیز می‌خورد. لاک فقط در عرصه تجارت یک «برده‌دار» نبود، در حیطة نظری هم اعتقاد داشت «غیراروپائیان» بی‌شعورند و به همین دلیل بسیاری از انسان‌ها را از نظر عقلی ذاتاً ناتوان می‌دید: جان لاک، شعور بومیان سرخ‌پوست آمریکا را در حد آگاهی کودکان و حتی ابلهان و بی‌سوادان می‌دانست و به صراحت اعلام کرد که «آنها توانایی کار عقلانی ندارند.»

با این توجیه جان لاک زمینه استعمار و استثمار سیاهان، سرخپوستان و دیگر «نژادهای غیراروپایی» را آماده می‌کرد. سی‌بی. مکفرسون از بزرگترین محققان معاصر در شناساندن جان لاک که رابطه سرمایه‌گذاری‌های هنگفت لاک برای تجارت برده را با نظریه‌های سیاسی او کاویده است، می‌نویسد:

کتاب «دو رساله در باب حکومت» (کتاب جان لاک) برآیند تجربه‌های فریب‌کارانه و مقاصد تجاری لاک در انگلیس است و به درد توجیه «انقلاب‌های استعماری» می‌خورد. این مختصری بود درباره فلسفه جان لاک که بنیان‌گزار نژادپرست در غرب به شمار می‌رود و بحث در اندیشه و آثار و تفکر استعماری او در این مختصر نمی‌گنجد و مقاله‌ای جداگانه می‌طلبد.

همانطور که مذکور افتاد، هنگامی که اروپاییان استعمار قاره آمریکا را آغاز کردند، بردگان را برای کار کردن در کشتزارها و معادن جدید، از آفریقا بدانجا بردند. در اوان سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی در حدود پانزده میلیون سیاهپوست آفریقایی به قاره آمریکا انتقال یافتند. تجار برده، آن‌ها را از غرب آفریقا می‌خریدند. بیشتر این بردگان به وسیله دیگر سیاهپوستان آفریقایی به هنگام جنگ با شیخون‌هایی که برای شکار آنان صورت می‌گرفت به اسارت درمی‌آمدند.

در زیر عرشه کشتی، برده‌ها را با زنجیر به هم می‌بستند تا قادر به فرار یا پریدن به دریا نباشند. تقریباً از هر پنج برده یک نفر در مسیر گذرگاه میان می‌مُرد. پرتغالی‌ها کشتی‌های حامل برده خود را تابوت می‌نامیدند. اولین برده‌ها در سال ۱۶۱۹ میلادی توسط هلندی‌ها به آمریکای شمالی آورده شدند و از آن زمان تجارت برده در این منطقه رونق یافت. دولت آمریکا در سال ۱۸۰۸ میلادی تجارت برده را در آمریکا ممنوع ساخت. با وجود این قاچاق غیرقانونی برده به آمریکا همچنان ادامه داشت. و فرزندان برده‌ها همچنان برده به حساب می‌آمدند. برده‌داری در برخی از ایالات آمریکا، بیشتر در بخش جنوبی مرسوم بود و سیاهپوستان در ایالات شمالی نسبتاً آزاد بودند. برده‌ها در آمریکا به اربابان خود تعلق داشتند و از حقوق انسانی و مدنی برخوردار نبودند و اربابان برده‌ها می‌توانستند مانند حیوانات با آن‌ها برخورد کنند. در سال ۱۸۶۱ میلادی در زمان ریاست جمهوری ابراهام لینکلن، جنگ داخلی بر سر مسئله برده‌داری در آمریکا اصلاحیه سیزدهم قانون اساسی آمریکا رسماً برده‌داری را در ایالات متحده آمریکا لغو کرد. هرچند سیاهپوستان تا صد سال بعد هم از بسیاری از حقوق انسانی و مدنی خود در آمریکا محروم بودند.

وقوع جنگ جهانی دوم و شرکت گسترده سیاهپوستان در دفاع از جنگ مقابل فاشیسم، موقعیت این گروه نژادی را در تحولات داخلی آمریکا تغییر داد. اولین گام برای ارتقای موقعیت اجتماعی آنان، با ادغام واحدهای نظامی سیاهپوستان در دیگر واحدهای ارتش آمریکا در سال ۱۹۴۵ میلادی صورت گرفت. سپس دیوان عالی فدرال ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۴ میلادی که جمهوری خواهان در کاخ سفید حضور داشتند، با صدور حکمی جدایی نژادی در مدارس را غیرقانونی اعلام کردند. این حکم سیاهان را از یک تبعیض نژادی ناروای تاریخی نجات داد.

اما مقاومت در برابر ادغام نژادی در ایالت‌های سابقاً برده‌دار، همچنان به شکل جدی ادامه داشت. سیاهان همچنان از ورود به اماکن مخصوص سفیدپوستان از جمله باشگاه‌ها و رستوران‌ها محروم بودند. حتی در برخی از شهرهای جنوب، سیاهپوستان حق نداشتند روی صندلی

مخصوص سفیدپوستان در اتوبوس‌های عمومی بنشینند.

اقدام خانم روزا پارکس در سال ۱۹۵۵ در شهر مونته‌گمری ایالت آلاباما روح تازه‌ای به مبارزات سیاه‌پوستان داد. خانم روزا پارکس در اقدامی شجاعانه، از بلند شدن از روی صندلی مخصوص سفیدپوستان در یک اتوبوس عمومی خودداری کرد و آنگاه توسط پلیس دستگیر شد. در سال ۱۹۶۰ میلادی با تلاش و کوشش مارتین لوتر کینگ «قانون حقوق مدنی» با هدف رفع تبعیض نژادی به تصویب رسید.

اگرچه با فدا شدن جان مارتین لوتر کینگ قانون رفع تبعیض نژادی در آمریکا به تصویب رسید و بعد از آن نیز به تدریج قوانین نژادپرستانه محلی در ایالت‌های آمریکا به تدریج ملغی شد و حتی در برخی از ایالت‌ها قانون تبعیض مثبت نیز به نفع سیاهان و رنگین‌پوستان اعمال شد ولی تبعیضات گسترده علیه سیاهان در جامعه آمریکا همچنان ادامه دارد و نگاه تحقیرآمیز نسبت به سیاهان در جامعه آمریکا نهادینه شده است. کشته شدن تریون مارتین نیز بخشی از میراث نژادپرستی آمریکا محسوب می‌شود.

با کشته شدن «تریون مارتین» نوجوان هفده ساله سیاه‌پوست آمریکایی توسط یک سفیدپوست و تبرئه قاتل توسط هیئت منصفه دادگاه شهر سنفورد ایالت فلوریدا بار دیگر زخم کهنه نژادپرستی در جامعه آمریکا سر باز کرد و به دنبال تبرئه «جورج زیمرمن» قاتل این نوجوان، صدها هزار نفر از سیاه‌پوستان آمریکا در شهرهای مختلف این کشور تظاهرات کردند و خواستار پایان تبعیض نژادی و بی‌عدالتی علیه جامعه سیاهان آمریکا شدند. در برخی از شهرها نیز مردم خشمگین پرچم ایالات متحده را به آتش کشیدند که خود حکایت از این دارد که دلبستگی به ارزش‌ها و نمادهای آمریکا در بین سیاهان و رنگین‌پوستان این کشور در پایین‌ترین درجه خود قرار دارد. پرسش‌هایی که اینجا مطرح است، این است که آیا قتل تریون مارتین یک اقدام نژادپرستانه بوده است؟

آیا تبعیض نژادی علیه سیاهان آمریکا یک اقدام مقطعی و موقتی است یا این تبعیض در لایه‌های زیرین جامعه آمریکا و به صورت گسترده علیه سیاهان و رنگین‌پوستان اعمال می‌شود؟ آمارها و گزارش‌های منتشر شده از سوی کمپین‌های ضد نژادپرستی آمریکا در این باره چه می‌گویند؟ و سؤال دیگر اینکه آیا انتخاب یک رئیس‌جمهور سیاه‌پوست توانسته است مسایل و مشکلات جامعه سیاهان آمریکا را حل و فصل کند؟ تریون مارتین نوجوان هفده ساله سیاه‌پوست ساکن شهر «سنفورد» ایالت «فلوریدا» در شامگاه ۲۶ فوریه سال ۲۰۱۲ توسط جورج زیمرمن

نگهبان داوطلب محل به قتل رسید. «جورج زیمرمن» ادعا کرده است که «تریون مارتین» در مرکز شهر «سنفورد» فلوریدا به او حمله کرده و در نهایت موجب شده است که او دست به سلاح ببرد و این نوجوان سیاه‌پوست را به قتل برساند. این ادعا در حالی از جانب جورج زیمرمن مطرح شد که «تریون مارتین» در هنگام کشته شدن نه تنها مسلح نبود، بلکه تنها یک لیوان چای و مقداری خوراکی در دست داشت.

متن مکالمه‌ای که دقایقی پیش از این واقعه میان جورج زیمرمن و پلیس انجام گرفته، نشان می‌دهد جورج زیمرمن که به عنوان نگهبان محله فعالیت می‌کرد، ابتدا به تریون مارتین ظنن شده است. وی با پلیس تماس می‌گیرد، اما پلیس به وی دستور می‌دهد کاری انجام ندهد تا مأموران به محل مورد نظر برسند. علی‌رغم دستور پلیس، زیمرمن به سمت مارتین می‌رود و با وی درگیر می‌شود. او ادعا می‌کند برای دفاع از خودش مارتین را کشته است. ماجرا پس از آن رسانه‌ای شد که پلیس همان لحظه از بازداشت «جورج زیمرمن» خودداری کرد و بیش از شش هفته بعد از قتل این دستگیری صورت گرفت.

مأموران پلیس فلوریدا پس از کشته شدن مارتین، زیمرمن را آزاد گذاشته بودند، زیرا عقیده داشتند که وی در وضع دفاع مشروع اقدام به تیراندازی کرده بود. اما پس از یک ماه و نیم اعتراض و تظاهرات سازمان‌های مبارزه با نژادپرستی و جامعه سیاه‌پوستان آمریکا زیمرمن بازداشت شد. «بیلی لی» رئیس پلیس فلوریدا نیز استعفا کرد. تصور می‌شد دادگاه نیز حکم محکومیت زیمرمن را به دلیل عمل نژادپرستانه صادر کند، اما این اتفاق نیفتاد. خانواده مارتین در اظهاراتی از فشار پلیس برای صرف نظر از شکایت علیه نیروهای امنیتی خبر داده و اعلام کردند که مقامات محلی همچنان تلاش دارند تا مرگ مارتین را یک امر «دفاع از خود» جلوه دهند و آن را همچنان داغ نگه دارند. از همان روزهای ابتدایی رسیدگی به این پرونده، پلیس و دستگاه قضایی از سوی مخالفان به تبعیض نژادی و به اهمال‌کاری متهم شدند. خانواده و دوستان مقتول، برای دادخواهی، یک کارزار اینترنتی به راه انداختند و شروع به جمع‌آوری امضاء برای محکوم کردن قاتل فرزندشان کردند و توانستند در عرض دو روز، بیش از دو هزار امضاء برای محکوم کردن زیمرمن که خود را بی‌گناه می‌دانست و قتل جوان سیاه‌پوست هفده ساله را دفاع از خود عنوان می‌کرد، جمع‌آوری کنند. شخصیت‌های سیاسی بسیاری نیز، به حمایت از خانواده مقتول پرداختند. پرونده قتل مارتین تا سنا و کاخ سفید نیز کشیده شد و مقامات آمریکایی را به واکنش واداشت. بابی راش، نماینده ایلنوی در

کنگره آمریکا در اقدامی، با پوشیدن یک لباس کلاه‌دار، پوششی که بیشتر جوانان سیاه‌پوست از آن استفاده می‌کنند، گفت «تبعیض نژادی باید متوقف شود. به صرف اینکه کسی لباس متفاوتی به تن می‌کند و سر و صورت خود را با لباس کلاه‌دار می‌پوشاند، نمی‌توانیم بگوییم که او بزهکار است و باید کشته شود.» سرانجام بعد از گذشت یک سال از مرگ مارتین و سه هفته جلسات رسیدگی به این پرونده پرسر و صدا که از تلویزیون‌های آمریکا نیز پخش می‌شد، هیئت منصفه دادگاه فلوریدا متشکل از هفت جوری و یک قاضی زن «زیمرمن» را در قتل «مارتین» بی‌گناه دانست. دادگاه در حکم صادره اعلام کرد «زیمرمن» که به هنگام قتل مارتین، نگهبان محله بود به طور مشروع و فقط برای دفاع از خود، از اسلحه خود استفاده کرده است. زیمرمن در طول یک سال گذشته تنها ۹ روز در بازداشت به سر برد و با یک وثیقه یکصد و پنجاه هزار دلاری آزاد بود.

اعلام این حکم اعتراضات بسیار گسترده‌ای را در شهرهای مختلف آمریکا به دنبال داشت و جامعه سیاه‌پوستان آمریکا در اعتراض به این حکم راهپیمایی‌های گسترده‌ای را برپا کردند. این حکم بار دیگر به بحث‌ها پیرامون تبعیض نژادی در آمریکا دامن زد.

حکم این دادگاه مورد اعتراض و شکایت خانواده مقتول قرار گرفته و قرار است مجدداً توسط دادگاه تجدیدنظر بررسی شود. وزارت دادگستری آمریکا نیز اعلام کرده است امکان گشودن یک پرونده دیگر را بررسی می‌کند اما معترضان به این حکم، آن را سرکوب و تبعیض نژادی می‌دانند.

موضوع این پرونده به چالشی جدی برای اولین رئیس جمهور سیاه‌پوست آمریکا تبدیل شد. او با اتخاذ یک موضع میانه سعی کرد که از یک طرف به جانبداری از سیاه‌پوستان متهم نشود و از طرف دیگر مجبور بود طوری رفتار کند که رضایت جامعه سیاهان آمریکا را به خود جلب کند. به همین دلیل باراک اوباما، در پیام تسلیت خود به خانواده مقتول گفت، «می‌خواهم والدین مارتین بدانند اگر من پسری داشتم، او حتماً شبیه پسر شما بود». در آن هنگام رئیس جمهور آمریکا از معترضان خواست که به دستگاه قضایی آمریکا اعتماد داشته باشند و بدون خشونت، اجازه بدهند که روند معمولی رسیدگی به پرونده قتل این جوان هفده ساله طی شود. اما جی کارنی سخنگوی کاخ سفید گفت «باراک اوباما» در حیطه اختیارات «اریک هولدر» وزیر دادگستری مداخله نمی‌کند. در همین حال اریک هولدر مدعی شده وزارت خانه وی در چارچوب شواهد و قانون فعالیت می‌کند. جامعه سیاهان آمریکا این اقدام اوباما را بی‌اعتنایی آشکار وی به بی‌عدالتی صورت گرفته در حق این نوجوان سیاه‌پوست عنوان کردند.

جامعه سیاه پوست آمریکا معتقد است این پرونده درست از همان لحظه‌ای که زیمرمن علی رخم دستورات پلیس تصمیم گرفت به یک نوجوان سیاه پوست غیر مسلح به خاطر شباهت ظاهری اش به دزدهای سیاه پوست شلیک کند، نژادی بوده است. به عبارت دیگر رفتارهای نژادپرستانه‌ای که در آمریکا علیه سیاهان انجام می‌شود را نمی‌توان رفتارهای شخصی افراد قلمداد کرد، بلکه این اقدامات کاملاً جنبه عمومی دارد و جامعه آمریکا به شدت مستعد انجام اقدامات نژادپرستانه علیه سیاهان است. به نظر می‌رسد جریانی هدفمند در جهت نقض حقوق سیاه‌پوستان در آمریکا شکل گرفته است و هر روز نیز ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. اعتراضات گسترده سیاه‌پوستان آمریکا به تیرئه قاتل مارتین نشان می‌دهد که سیاه‌پوستان آمریکا همچنان بر این باورند که درون فرهنگ آمریکایی جذب نشده‌اند و همچنان به عنوان یک شهروند درجه دو به آن‌ها نگاه می‌شود. حتی در این اعتراضات در برخی از شهرها پرچم ایالات متحده آمریکا نیز به نشانه اعتراض به آتش کشیده شد که نشان از دل‌بستگی نداشتن سیاهان به ارزش‌های پایه‌ای آمریکا دارد.

براساس گزارش منتشر شده توسط کمپین ملی اقدام برای مارتین، در کشور آمریکا به طور متوسط در هر ۲۶ ساعت یک سیاه‌پوست به دست پلیس کشته می‌شود. تبعیض‌های نژادی در ایالات متحده آمریکا که با نظام برده‌داری در قرن ۱۷ میلادی آغاز شد. همچنان تا عصر حاضر ادامه یافته است. با گذشت سال‌ها از سخنرانی معروف «مارتین لوتر کینگ» با عنوان «رؤیایی دارم» سیاه‌پوستان آمریکا همچنان به دلیل سیاست‌های نژادپرستانه دولت این کشور در محدودیت و محرومیت به سر می‌برند.

آمارها حاکی از آن است که حدود یک میلیون نفر از مجموع دو میلیون و سیصد هزار نفر زندانی آمریکا را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند و این در حالی است که شمار آمریکایی‌های سفیدپوستی که مواد مخدر مصرف می‌کنند، پنج برابر بیشتر از سیاه‌پوستان است.

میانگین ثروت یک خانواده سفیدپوست بیست برابر ثروت یک خانواده سیاه‌پوست است. همچنین از نظر امکانات مالی و رفاهی، سیاهان در شرایط بسیار پایین‌تری نسبت به سفیدپوستان قرار دادند. به گونه‌ای که میانگین ثروت یک خانواده سفیدپوست (۱۱۳ هزار دلار) بیست برابر درآمد یک خانواده سیاه‌پوست است. هجده درصد از سیاه‌پوستان زیر ۲۵ سال آمریکایی، از بیمه درمانی محرومند. یکی از اشکال این تبعیض نژادپرستانه، نحوه برخورد پلیس با سیاهان است. گسترش نژادپرستی در بخش‌های دولتی آمریکا باعث شده بسیاری از افسران پلیس در ایالات

مختلف بی پروا به مظنونان سیاه پوست خود شلیک کنند و آنان را به قتل برسانند پلیس آمریکا همواره سعی کرده است با ارائه گزارش های متعدد آمار بالای قتل سیاهان توسط مأموران خود را توصیه کند.

از ژانویه سال ۲۰۱۲ میلادی نیروهای پلیس و امنیتی حداقل ۱۲۰ نفر از زنان و مردان سیاه پوست را به قتل رسانده اند که قطعاً نمی توان آن ها را تصادفی و غیر عمدی دانست. نتایج یک نظرسنجی نشان می دهد که ۶۴ درصد از مردم نیویورک رویکرد تبعیض آمیز پلیس ضد سیاه پوستان را تصدیق می کنند.

به طور کلی نژادپرستی همواره به عنوان یک مسئله مهم در ایالت متحده از دوره استعمار و برده داری مطرح بوده است. با انتخاب او باما به عنوان نماینده ای سیاه پوست در کاخ سفید، انتظار می رفت شرایط سیاهان بهبود یابد، اما در عمل تغییر چندانی ایجاد نشد، چرا که نوع نگاه متفاوت و نژادپرستانه به سیاهان در جامعه سفیدپوست آمریکا نهادینه شده است. آمار قتل، زندانی شدن بدون تفهیم اتهام و برگزاری دادگاه، دستگیری های بی دلیل و تضييع حقوق اجتماعی سیاه پوستان در دوران ریاست جمهوری او باما نه تنها کاهش نداشت، بلکه بیشتر نیز شده است. این در حالی است که تنها بخش کوچکی از موارد متعدد خشونت نیروهای پلیس آمریکا علیه رنگین پوستان و سیاه پوستان آمریکایی در مطبوعات و رسانه ها منتشر می شود.

«ایست و بازرسی» نیز از دیگر سیاست های تبعیض آمیز پلیس آمریکا در قبال سیاهان است. گزارش های منتشره حاکی از این امر است که در سال ۲۰۱۱ میلادی پلیس نیویورک هفتصد هزار نفر از کسانی که نزدیک به ۸۵ درصد آن ها سیاه پوست و یا مردان جوان اسپانیایی بودند را متوقف کرده است. شمار قابل توجهی از افراد سیاه پوست شرکت کننده در این نظرسنجی، اعلام کردند تاکتیک توقف و بازرسی پلیس، آن ها را به ستوه آورده است.

جالب توجه اینکه علی رغم این رفتارهای خشونت بار و قتل سیاهان، پلیس آن را انکار کرده و به طر ق مختلف آن را توجیه می کند.

فعالان سرشناس حقوق بشر می گویند، اسناد و مدارک کافی وجود دارد که ثابت می کند، هرگاه پلیس یک سیاه پوست یا لاتین تبار را می کشد، آن را قتلی موجه و قانونی تلقی می کند.

نشریه «آمریکن پراگرس» نیز با نگاهی به تبعیض های نژادی نهفته در دستگاه قضایی آمریکا به بیان ده واقعتی تکان دهنده درباره وضع رنگین پوستان و دستگاه قضایی این کشور پرداخته است.

این نشریه در ادامه ۱۰ واقعیت عمده مربوط به تأثیر دستگاه قضایی جزایی آمریکا بر اقلیت‌های رنگین‌پوست را بدین ترتیب ذکر کرد:

۱. رنگین‌پوستان حدود ۳۰ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند. اما ۶۰ درصد زندانیان از میان آن‌ها است. از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۵ میلادی جمعیت زندان‌ها ۷۰۰ درصد افزایش یافته است. این رقم از نسبت‌ها و جرائم نیز پیش افتاده است. از هر پانزده مرد سیاه‌پوست و از هر ۳۶ لاتین تبار یک نفر به زندان می‌افتد.

۲. براساس گزارش اداره آمار آمریکا از هر سه مرد سیاه‌پوست، یک نفر باید انتظار داشته باشد که در طول دوران حیات خود به زندان برود. احتمال اینکه سر و کار رنگین‌پوستان به دستگاه‌های قضایی و اجرایی بیفتد خیلی زیاد است. طبق گزارش وزارت دادگستری، احتمال اینکه سیاهان و لاتین تبارها حین رانندگی متوقف و بازرسی شوند. سه برابر بیشتر از سفیدپوستان است. همچنین احتمال این که آمریکایی‌های سیاه‌پوست بازداشت شوند، دو برابر بیشتر و احتمال اینکه از زور علیه آن‌ها استفاده شود، چهار برابر است.

۳. دانش‌آموزان سیاه‌پوست بیش از هم‌کلاسی‌های سفیدپوست خود، در معرض تنبیه و مجازات قرار دارند و این به افزایش بازداشت میان دانش‌آموزان رنگین‌پوست منجر شده است. دانش‌آموزان سیاه‌پوست و لاتین تبار بیش از ۷۰ درصد بازداشت‌های مرتبط با مدارس یا ارجاعات به دستگاه قضایی را تشکیل می‌دهند.

۴. طبق تازه‌ترین اطلاعات و گزارش وزارت آموزش آمریکا، دانش‌آموزان سیاه‌پوست اغلب بیش از دیگر هم‌کلاسی‌های سفیدپوست خود بازداشت می‌شوند. طبق این گزارش، در سال تحصیلی ۲۰۱۰-۲۰۰۹ تعداد ۹۶ هزار دانش‌آموز بازداشت شده و ۲۴۲ هزار نفر به دستگاه قضایی ارجاع داده شده‌اند. از این تعداد، بیش از ۷۰ درصد سیاه‌پوست و لاتین تبار بوده‌اند. تنبیهات سخت در مدارس از تعلیق تا بازداشت باعث شده است شمار نوجوانان رنگین‌پوست که سر و کارش به دستگاه قضایی می‌افتد، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد.

۵. درصد نوجوانان آفریقایی تبار زندانی بیش از جوانان سفیدپوست است و احتمال اینکه وارد زندان بزرگسالان شوند، زیادتر است. اگرچه این نوجوانان ۱۶ درصد کل جمعیت نوجوانان آمریکایی را تشکیل می‌دهند، اما ۳۷ درصد موارد در دادگاه‌هایی جنایی به این گروه تعلق دارد.

۶. در سه دهه گذشته، شمار زنان زندانی تا ۸۰۰ درصد افزایش یافته است که اکثرشان زنان رنگین

پوست هستند. میزان نابرابری‌های قومی و نژادی تکان‌دهنده است. زنان سیاه‌پوست سه برابر بیشتر از زنان سفیدپوست به زندان می‌روند. زنان لاتین تبار نیز در مقایسه با زنان سفیدپوست ۶۹ درصد بیشتر به زندان می‌روند.

۷. مبارزه با مواد مخدر نیز اساساً در محلات و جوامع رنگین‌پوستان جریان دارد به گفته دیده‌بان حقوق بشر. اقلیت‌های رنگین‌پوست بیشتر از سفیدپوستان مواد مخدر مصرف یا خرید و فروش نمی‌کنند. اما میزان دستگیری‌ها میان آن‌ها بیشتر است. سیاه‌پوستان آمریکا ۱۴ درصد مصرف‌کنندگان مواد مخدر را به خود اختصاص می‌دهند اما ۳۷ درصد کسانی که در این رابطه دستگیر می‌شوند، سیاه‌پوست هستند. از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ حدود یک نفر از سه نفر در ۲۵/۴ میلیون بزرگسالی که در رابطه با مواد بازداشت شدند، سیاه‌پوست بودند.

۸. مهاجمان سیاه‌پوست وقتی بازداشت می‌شوند احکام طولانی مدت می‌گیرند. کمیسیون صدور حکم آمریکا می‌گوید، در سیستم فدرال، مجرمان سیاه‌پوست حکم‌هایی دریافت می‌کنند که ۱۰ درصد طولانی‌تر از احکام صادر شده برای سفیدپوستان با همان جرم است.

۹. قوانین انتخاباتی که افراد دارای سوابق کیفری از رأی دادن را محروم می‌کند. بیشتر، مردان رنگین‌پوست را تحت الشعاع قرار می‌دهد. آن‌طور که برآورد می‌شود ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار آمریکایی به علت پیشینه کیفری حق رأی دادن ندارند. این محرومیت در نتیجه نابرابری‌های نژادی شدیدتر می‌شود و در نهایت ۱۳ درصد مردان سیاه‌پوست حق رأی دادن ندارند.

۱۰. مطالعات نشان می‌دهد رنگین‌پوستان بعد از آزادی از زندان نیز با تبعیض در میزان دستمزد روبه‌رو هستند. مدت حبس در این خصوص تأثیرگذار است و برای مردان و زنان سیاه‌پوست بیشتر از سفیدپوستان است. تعدادی از ایالت‌ها کار کردن افراد دارای محکومیت‌های خاص را در صنایع بهداشت عمومی مانند پرستاری، مراقبت از کودک و مراقبت‌های بهداشتی در خانه منع کرده‌اند. در این خصوص نیز بیشترین تأثیر بر رنگین‌پوستان است.

این نابرابری‌های نژادی مردم رنگین‌پوست را از اساسی‌ترین حقوق مدنی‌شان محروم کرده است به طوری که لزوم اصلاح دستگاه قضایی آمریکا به شدت احساس می‌شود. با حبس‌های گسترده و حضور دائم رنگین‌پوستان در سیستم قضایی و زندان‌ها، این مردم تأثیر منفی بر خود و جامعه خویش را احساس می‌کنند. آن‌ها قادر نخواهند بود در داخل جامعه و فرآیند دموکراتیک جذب شوند. اصلاح سیاست‌های قضایی که مملو از نابرابری نژادی است باید در کانون جنبش

مقابله با نژادپرستی و بی‌عدالتی نژادی قرار گیرد.

تاکنون اقدامات متعددی در این زمینه از سوی نهادهای متعدد حقوق بشر و فعالان این عرصه انجام شده است و کمپین‌های مختلفی در این باره شکل گرفته‌اند.

در غالب این کمپین‌ها فعالان حقوق بشر از دولت اوپاما درخواست کرده‌اند تا اقداماتی در جهت برقراری عدالت نژادی و پایان دادن به نابرابری‌ها در این زمینه در پیش گرفته شود و کشتار بی‌دلیل سیاهان متوقف شود.

مردم آمریکا در اعتراضات گسترده‌ای که در طول دو هفته گذشته و در اعتراض به تیرئه قاتل مارتین داشتند و فریاد می‌زدند که نظام سیاسی و قضایی آمریکا نژادپرست است. خانواده این نوجوان نیز اعلام کرده که از سیستم قضایی کشور ناامید شده است و درخواست کرده است که اوپاما پرونده قتل فرزندشان را پیگیری کند. این در حالی است که سخنگوی کاخ سفید اعلام کرده است که اوپاما در کار قضایی کشور مداخله نمی‌کند. احتمالاً پرونده قتل این نوجوان سیاه‌پوست نیز همچون پرونده‌های دیگر نژادپرستی به بایگانی دستگاه قضایی آمریکا سپرده خواهد شد.

اکنون سؤال آخر این است که آیا زن و یا مرد شجاعی چون روزا پارکس ۱۹۶۰ یک بار دیگر سر بر خواهد آورد تا منجی از جان گذشته‌ای چون مارتین لوتر کینگ را برانگیخته و یک بار دیگر جامعه سیاه‌پوست آمریکا را در رفع معضل ننگین «نژادپرستی» در این کشور بشوراند و لکه ننگین نژادپرستی را از دامن جامعه آمریکا بزدايد.

منابع و مآخذ و آمارهای این تحقیق از نشریه «آمریکن پراگرس» سال ۲۰۱۲ استفاده شده است.